فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۴، بهار ۹۸، صفحات ۱۲۹-۹۳

مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن: مطالعه‌ی پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان

امید قادرزاده[۱]، فاطمه شریفی[۲]،الناز حسن‌خانی[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱

چکیده

مشارکت سیاسی از مؤلفه‌های اصلی توسعه‌ی سیاسی به‌شمار می‌آید و با توجه به این‌که دانشجویان از حاملان و کارگزاران توسعه‌ی سیاسی محسوب می‌شوند، شناخت علایق و جهت‌گیری‌های سیاسی آنان از اهمیت فزآینده‌ای برخوردار است. در همین راستا، پژوهش حاضر به بررسی چگونگی و چرایی مشارکت سیاسی دانشجویان در میان نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه کردستان پرداخته است. تحقیق به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه در مورد ۳۷۰ نفر از دانشجویان انجام گرفته است. نمونه‌ها، ابتدا از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای و سپس از طریق تصادفی ساده، نمونه‌ی مورد نظر انتخاب شده است. نتایج تحقیق نشان داد که مشارکت سیاسی در نزد دانشجویان مورد بررسی از شدت قابل توجهی برخوردار نیست و پایین می‌باشد و درصد کمی در تشکل‌های سیاسی عضویت داشته و دارای ارتباط نهادی بوده‌اند. بر مبنای نتایج تحلیل رگرسیون، چهار عامل مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی، هویت ملی، اعتماد تعمیم‌یافته و اثربخشی سیاسی قدرت تبیین تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان را دارند و عوامل مذکور در مجموع ۴۶ درصد تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین نموده‌اند. در بخش پایانی مقاله، با نظر به عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی دانشجویان، راه‌کارهای عملیاتی در جهت ارتقاء مشارکت سیاسی دانشجویان ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت سیاسی، اعتماد اجتماعی، هویت ملی، رسانه‌های ارتباط جمعی.

[۱] دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان و پژوهشگر پژوهشکده‌ی کردستان‌شناسی (نویسنده‌ی مسئول)
o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

[۲] کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان *fsharifi141@gmail.com*

[۳] کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان *elinazhassankhany@gmail.com*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مقدمه و بیان مسأله

مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر واکاوی مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه کردستان است. مشارکت سیاسی به عنوان ارزش سیاسی و مجرای تکوین و تداوم توسعه‌ی سیاسی مطرح است. «در ادبیات توسعه‌ی سیاسی، توسعه با مفاهیم مشارکت، دموکراسی و برابری مفهوم‌سازی شده است و این مفاهیم به عنوان اصول برگشت‌ناپذیر توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی قلمداد می‌شود. بر همین اساس، مشارکت سیاسی هم نتیجه‌ی وجود آزادی و توسعه‌ی سیاسی در جامعه و هم عامل استقرار، حفظ و بقای آن است و بدین لحاظ هم شرط لازم برای توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی یک جامعه و هم نتیجه‌ی آن است»(دونوان،۱۹۸۶:۳۲۱ به نقل از پناهی، ۹:۱۳۸۶).

مشارکت سیاسی، هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون‌سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره‌ی عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است(واینر و هانتیگتون،۱۳۷۹:۱۴۰). مشارکت سیاسی دارای سطوح و مراتب مختلفی است که از بالا به پایین به شرح زیر رتبه‌بندی شده است: داشتن پست سیاسی یا اجرایی، خواهان پست سیاسی یا اجرایی‌بودن، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، شرکت در جلسات عمومی، تظاهرات و غیره، عضو غیر فعال یک سازمان سیاسی، عضو غیر فعال یک سازمان شبه سیاسی، شرکت در مباحث سیاسی غیر رسمی، علاقه‌مندی نسبی به امور سیاسی و رأی دادن(راش،۱۳۷۷:۱۲۵).

دوام و قوام مشارکت سیاسی در جامعه نشان از وجود ساخت فرصت‌های سیاسی و نهادینه‌شدن سازوکارهای چرخش نخبگان و ادغام اجتماعی در سطح کلان و اعتماد نهادی و اجتماعی، احساس اثربخشی سیاسی و امید به آینده در سطح خُرد است. در همه‌ی جوامع با سطوح مختلف توسعه، مشارکت سیاسی از اهمیت بنیادین برخوردار است و اهمیت این مسأله در جوامع در حال توسعه در نزد قشرهای مختلف جامعه و به‌ویژه قشر متوسط به‌عنوان حاملان و کارگزاران توسعه دوچندان می‌باشد. جامعه‌ی ایران به‌عنوان جامعه‌ای در حال توسعه بیش از پیش نیاز به گذار از مشارکت‌های عاطفی و خاص‌گرا به مشارکت مدنی و اجتماعی به عنوان پیش‌شرط توسعه دارد.

نهاد دانشگاه به مثابه‌ی یکی از نهادهای اجتماعی مدرن در کنار کارکردهای تخصصی و حرفه‌ای، کارگزار جامعه‌پذیری سیاسی و تکوین و تحکیم شهروندی است. در فضای دانشگاه، عرصه‌ها و مجاری مختلفی نظیر نشریات دانشجویی، کانون‌ها و تشکل‌های سیاسی، مجرایی برای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

آگاه‌سازی و خبررسانی، آموزش سیاسی، کسب تجارب سیاسی، گفت‌وگو و مباحثه در باب موضوعات سیاسی، تقویت روحیه‌ی نقادی، اقناع و استدلال سیاسی، تعلق سیاسی، احساس اثربخشی، خودباوری و اعتماد سیاسی به‌شمار می‌آیند. انتظار می‌رود در فضای دانشگاه، دانشجو برای کنش‌گری سیاسی در سطوح مختلف آن و ایفای شهروندی آماده شود. اهمیت این مسأله در دانشگاه کردستان به دلیل بافت چندفرهنگی و چندقومیتی آن دوچندان می‌شود. تجربه‌ی جامعه‌پذیری اولیه‌ی دانشجویان در بافت قومی و محلی، با تکوین و پی‌ریزی هویت‌های اولیه با صبغه‌ی خاص‌گرایانه همراه است. با ورود به دانشگاه انتظار می‌رود دانشجویان، نوعی جامعه‌پذیری ثانویه را با فعالیت در نشریات دانشجویی و عضویت در انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی و تشکل‌های سیاسی تجربه کنند که در نتیجه‌ی آن نوعی بازاندیشی نسبت به اُبژه‌های اجتماعی و سیاسی، جرح و تعدیل جهت‌گیری‌های سیاسی و عام‌گرایی هویتی پدیدار می‌شود. شناخت جهت‌گیری‌های سیاسی و کنشی دانشجویان به‌مثابه‌ی بخشی از قشر متوسط جامعه، معیاری برای شناخت فرهنگ سیاسی دانشجویان متعلق به اجتماعات مختلف قومی و فرصتی برای ارزیابی کارکردهای اجتماعی و سیاسی محیط‌های دانشگاهی به دست می‌دهد.

شواهد تجربی گویای آن است که مشارکت سیاسی در میان دانشجویان از شدت قابل توجهی برخوردار نیست و سطح مشارکت دانشجویان عمدتاً معطوف به سطوح پایین مشارکت سیاسی بوده و در سطوح بالاتر از تعداد مشارکت‌کنندگان کاسته می‌شود که این موضوع، مؤید مسأله دارشدن مشارکت سیاسی در میان دانشجویان است که به نوعی نشان‌گر تکوین بیگانگی سیاسی- اجتماعی است(سید امامی،:۱۳۸۶؛ امام‌جمعه‌زاده و همکاران،۱۳۸۹؛ حسنی،۱۳۸۹؛ پالیزبان،۱۳۹۰؛ گنجی،۱۳۹۱؛ نادری،۱۳۹۶، آوریده و علمی،۱۳۹۲). گزارش پژوهشی بررسی نشریات دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور(۹۵-۱۳۹۴) گویای آن است که میانگین توجه نشریات دانشجویی در هرکدام از شاخص‌های سیاسی- امنیتی طی دو سال مذکور به ترتیب ۱۶ و ۱۹ درصد می‌باشد (پالیزیان،۱۳۹۶:۱۳). این مسأله به نوعی نشان از سطح نازل پرداختن به موضوعات و مباحث سیاسی و غیاب امر سیاسی در نشریات دانشجویی است و تبعاتی چون بی‌تفاوتی سیاسی و ضعف جهت‌گیری‌های هم‌گرایانه را در پی خواهد داشت. با لحاظ ماهیت میدان مورد مطالعه(دانشگاه کردستان) و مختصات متمایز قومی و مذهبی آن، مسأله‌ی مشارکت سیاسی در نزد دانشجویان متعلق به اجتماعات قومی و مذهبی اهمیت فزآینده‌ای پیدا می‌کند. در همین راستا مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که میزان و سطوح مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

کردستان چگونه است؟ عوامل اثرگذار بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان کدامند؟ و کلام آخر آن‌که بر مبنای یافته‌های حاضر، برای ارتقاء مشارکت سیاسی دانشجویان چه راه‌کارهایی را می‌توان ارائه داد؟

پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی مشارکت سیاسی در نزد دانشجویان پژوهش‌های عدیده‌ای به انجام رسیده است که در ذیل به اصلی‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

نادری(۱۳۹۶) در پژوهش پیمایشی با عنوان «فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه‌ی اثربخشی عوامل تبیین‌کننده» نشان داده است که با وجود پیشی‌گرفتن مشارکت سیاسی دانشجویان بر مشارکت سیاسی کل جامعه، بیش‌تر دانشجویان در سطوح پایین سلسله‌مراتب مشارکت سیاسی(شرکت در انتخابات و پیگیری اخبار سیاسی) فعال بوده و تنها درصد کمی از دانشجویان مشارکت سیاسی فعالانه دارند. یافته‌های تبیینی مؤید آن است که مردان بیش از زنان در سیاست مشارکت می‌کنند؛ تعلقات دینی، اعتماد به نهادهای سیاسی و آموزش سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه‌ی مثبت و بیگانگی سیاسی با آن رابطه‌ی منفی دارد. پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و محل سکونت دانشجویان تأثیری بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان نداشته و قومیت دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ خانواده، فضای آموزشی، عضویت در تشکل دانشجویی و دانشگاه محل تحصیل، نقش مهمی در جامعه‌پذیری سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان دارد؛ تأثیر رسانه‌های جمعی(تلویزیون) بر مشارکت سیاسی خیلی ضعیف است و استفاده‌ی علمی و خبری از رسانه‌های دیجیتال بر مشارکت سیاسی دانشجویان اثرگذار است.

شهرام‌نیا و همکاران(۱۳۹۶) در پژوهش پیمایشی «سنجش تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه مازندران » نشان داده‌اند که رابطه‌ی مثبتی بین شبکه‌بنـدی اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد و بُعد ساختی شبکه‌های اجتماعی بیش-ترین تأثـیر را بر رفتار انتخاباتی دانشجویان دارد. احمدی و همکاران(۱۳۹۶) با عنوان «گونه-شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه کردستان بر پایه‌ی متـغیرهای اجتماعی-فرهنگی»، میانگین تکثرگرایی سیاسی و درگیری عملی در سیاست به مثابه‌ی ابعاد فرهنگ سیاسی در نزد دانشجویان در حد متوسط است. بر این اساس فرهنگ سیاسی تنها در یک‌سوم دانشجویان صبغه-ی دموکراتیک دارد و فرهنگ سیاسی بی‌تفاوت در مرتبه‌ی دوم جای دارد. متغیرهای جامعه‌پذیری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

سیاسی، ارتباطات خانوادگی، جهت‌گیری مذهبی، سن، تحصیلات، محل اقامت و قومیت، یک سوم تغییرات فرهنگ سیاسی دانشجویان را تبیین نموده است.

کریمی و همکاران(۱۳۹۳) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان» حکایت از آن دارد که تشکل‌های سیاسی درون دانشگاهی بر روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان تأثیر مثبت دارد و تشکل‌های سیاسی برون دانشگاهی(احزاب و شخصیت‌های سیاسی) تأثیرگذاری چندانی ندارند.

یافته‌های پژوهش پیمایشی هرسیج و همکاران(۱۳۹۱) با عنوان «بررسی رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان» نشان‌گر آن است که رسانه‌های دیداری-شنیداری ارتباط بیش‌تری با مشارکت سیاسی دارند و مشارکت سیاسی کم‌ترین تأثیر را از مصرف رسانه‌های الکترونیک می‌پذیرد و این رسانه‌ها بیش‌ترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی اعتراضی و پست‌مدرن داشته‌اند.

امام‌جمعه‌زاده و همکاران(۱۳۹۰) در پژوهش پیمایشیِ «بررسی رابطه‌ی میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان» نشان داده‌اند که میانگین مشارکت سیاسی ذهنی در میان دانشجویان بیش‌تر از مشارکت عینی و میانگین مشارکت متعارف تا حدودی بالاتر از میزان مشارکت نامتعارف بوده است و با افزایش احساس محرومیت نسبی، میزان مشارکت سیاسی در تمام ابعاد آن کاهش پیدا کرده است.

پالیزبان(۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن» نشان داده است که میزان تمایل به مشارکت سیاسی در دانشجویان کم است. یافته‌ها مؤید رابطه‌ی مثبت بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با احساس کارایی سیاسی، حساسیت سیاسی و آگاهی سیاسی و عدم وجود رابطه با پایگاه اجتماعی- اقتصادی دانشجویان بود.

نتایج مطالعه‌ی پیمایشی مسعودنیا و همکاران(۱۳۹۰) با عنوان «بررسی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان؛ مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان» مؤید آن است که میزان انسجام اجتماعی رابطه‌ی مستقیمی با فرهنگ سیاسی دانشجویان دارد.

غفاری هشجین و همکاران(۱۳۸۹) در پژوهش پیمایشی «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران» نشان داده‌اند دوستان و خانواده و سپس انگیزه‌ی سیاسی، سهم بیش‌تری در مشارکت سیاسی دانشجویان داشته است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

نتایج پژوهش پیمایشی امام‌جمعه‌زاده و همکاران(۱۳۸۹) با عنوان «بررسی رابطـه‌ی میان دین-داری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان» نشان داده‌اند که ارتباط مستقیمی بین سطح دین‌داری و مشارکت سیاسی وجود دارد.

بر مبنای پژوهش پیمایشی سید امامی(۱۳۸۶) با عنوان «مشارکت سیاسی دانشجویان؛ ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، منابع اقتصادی-اجتماعی دانشجویان با مشارکت سیاسی ارتباط معناداری ندارد؛ اما برخی منابع انگیزشی یا روان‌شناختی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی تأیید شده‌اند.

حسنی(۱۳۸۹) در پژوهش پیمایشی «بررسی رابطه‌ی بیگانگی سیاسی-اجتماعی با مشارکت سیاسی-اجتماعی و امنیت ملی» نشان داد که همبستگی معکوسی بین بیگانگی سیاسی دانشجویان و مشارکت سیاسی-اجتماعی و مشارکت در امنیت ملی وجود دارد.

وفادار و رفیع‌پور(۱۳۷۵) در پژوهش پیمایشی «دموکراسی، برداشت مردم و دانشجویان» نشان داده است که مشروعیت و اعتماد به مسئولین بر انتخابات تأثیر دارد. نکته‌ی قابل توجه اثر کاهنده-ی سطح تحصیلات با شرکت در انتخابات است.

چن‌گان و همکاران[1](۲۰۱۷) در پژوهش پیمایشی «به‌کارگیری رسانه‌ی اجتماعی، علاقه‌ی سیاسی و مشارکت در بین دانشجویان دانشگاه در شهر چین» نشان داده‌اند که به‌کارگیری رسانه‌های اجتماعی در علایق سیاسی سهیم بوده و به نوبه‌ی خود بر مشارکت مدنی و سیاسی اثر می‌گذارد. به‌علاوه، علایق سیاسی ممکن است اثرات به‌کارگیری رسانه‌های اجتماعی را بر مشارکت سیاسی تعدیل کند. بر مبنای پیمایش ۸۹۷ نفری از دانشجویان دانشگاه گوانگژو در چین، یافته‌ها مؤید آن است به‌دلیل اقتدارگرایی شبکه‌ای در چین، ارتباطات سیاسی به میانجی شبکه‌های اجتماعی در علایق مثبت نسبت به حکومت و جامعه تأثیر گذاشته و ارتباط با فعالین سیاسی از طریق شبکه با علایق سیاسی منفی مرتبط است.

ظاهر[2] (۲۰۱۶) در مقاله‌ی پیمایشی «استفاده از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه» به بررسی رابطه‌ی بین میزان به‌کارگیری فیس‌بوک و مشارکت سیاسیِ در میان ۴۱۶ نمونه از دانشجویان پاکستانی می‌پردازد. بر مبنای یافته‌ها، همبستگی مثبتی بین

1. *Chen et al*
2. *zaheer*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

فعالیت سیاسی و مدت زمان استفاده از فیس‌بوک وجود دارد. به عبارت دیگر، دانشجویانی که زمان بیش‌تری از فیس‌بوک استفاده نموده‌اند، به‌مراتب بیش‌تر فیس‌بوک را برای اهداف سیاسی به‌کار گرفته‌اند. دانشجویانی که فیس‌بوک را به خاطر اهداف سیاسی به‌کار گرفته‌اند، مشارکت فعالانه‌ای در فعالیت‌های سیاسی آن‌لاین و آف‌لاین داشته‌اند و مشارکت سیاسی آن لاین، به احتمال زیادی مشارکت سیاسی آف‌لاین را شکل می‌بخشد. به علاوه، مشارکت سیاسی ارتباط معناداری با عوامل جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت و سن دارد.

هشیش و کامل[1] (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «هویت، اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی مورد انتظار در میان دانشجویان پرستاری پس از انقلاب ۲۵ ژانویه»، به بررسی رابطه‌ی هویت فردی و اجتماعی، اثربخشی سیاسی، مشارکت سیاسی مورد انتظار بر روی نمونه‌ای ۴۶۳نفری از دانشجویان پرستاری مصر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱مصر پرداخته‌اند. برمبنای نتایج، اکثر دانشجویان اثربخشی سیاسی داشتند و تمایلی به مشارکت فعالانه در فعالیت‌های سیاسی به‌ویژه پس از انقلاب ۲۵ ژانویه داشته‌اند. به‌علاوه همبستگی مثبتی بین هویت و اثربخشی سیاسی و مشارکت سیاسی مورد انتظار وجود دارد. هم‌چنین، برنامه‌های آموزشی نقش مثبتی در آگاهی بخشی در میان دانشجویان در خصوص شهروندی و اهمیت مشارکت سیاسی به عنوان ابرازی برای نیل به رشد و توسعه داشته است. به‌علاوه فضا و محیط دانشکده، از طریق ارتقا و تقویت حس هویت سیاسی و اجتماعی در افزایش کارایی سیاسی در میان دانشجویان سهیم بوده است.

نتایج پژوهش تسونبی و انووی[2](۲۰۱۴) با عنوان «اثرات رسانه‌ها بر دانش سیاسی، عمل و علاقه‌ی جوانان» مؤید آن است که رسانه‌ها به‌ویژه اینترنت منبع ارجع‌تری برای اطلاعات سیاسی و غیر سیاسی است.

استوکمر[3] (۲۰۱۲) در پژوهش پیمایشیِ «درگیری سیاسی دانشجویان: مطالعه‌ی جامع دانشجویان کارشناسی دانشگاه اوتاوا»، که در میان ۵۷۰ نمونه از دانشجویان مقطع کارشناسی در رشته‌های مختلف به انجام رسیده است، نشان داد که علاقه‌ی سیاسی و درگیری در کنش‌های سیاسی در میان دانشجویان بالا است و برنامه‌ی درسی دانشجویان، سال تحصیلی، عمل‌کرد

[1]. *hashish& kamel*
[2] *Tesunbi & Nwoye*
[3] *stockemer*.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

آموزشی، پرداخت شهریه، مشارکت سیاسی والدین بر علایق سیاسی دانشجویان تأثیر به‌سزایی دارد و به نوبه‌ی خود احتمال درگیری عملی را در سیاست افزایش می‌دهد.

جمنا و کارلرو[1](۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» که بر روی یکی از دانشگاه‌های رومانی به انجام رسیده است، نشان داده که مشارکت انتخاباتی در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند به‌شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز فعالیت مذهبی نداشته‌اند.

نتایج پیمایش کالندا و موسکا[2](۲۰۰۷) با عنوان «استفاده‌ی سیاسی از اطلاعات اینترنت» مؤید تأثیرگذاری اینترنت بر مشارکت و درگیرشدن در امور سیاسی دارد.

نتایج مطالعه‌ی سیگلر و ژوسلین[3](۲۰۰۲) با عنوان «گستردگی عضویت گروهی و سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیر آن روی نگرش‌های سیاسی» نشان می‌دهد که عضویت گروهی، نوع گروه و عضویت چندگانه در گروه‌های مختلف نقش معناداری در نگرش سیاسی دارد. پژوهش‌های لایگلی[4] نشان می‌دهد که بحث با دوستانی که به سیاست علاقه‌مند هستند یا به فعالیت سیاسی می‌پردازند، در دانش سیاسی و فعالیت در امور سیاسی اثرگذار است(مک کلارگ[5]، ۲۰۰۱:۴۸).

نتایج پژوهش کمپل و جوچلویچ[6](۲۰۰۰) با عنوان «بررسی رابطه‌ی مشارکت سیاسی با کارایی سیاسی» نشان‌گر آن است که هرچه احساس کارایی سیاسی فرد بیش‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد. هم‌چنین، تحصیلات، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، درآمد و شغل بر مشارکت سیاسی فرد اثر قابل توجهی دارد.

مبانی نظری پژوهش

مشارکت سیاسی و اجتماعی در زمره‌ی موضوعاتی است که در دیدگاه‌ها و تئوری‌های گوناگون علوم اجتماعی و سیاسی به‌دلیل پیوند با پدیده‌های فراگیری نظیر، آگاهی، عضویت و تعلق جمعی و انسجام اجتماعی که تعیین‌کننده‌ی جهت‌گیری‌های شناختی و کنشی افراد می‌باشد، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و به شیوه‌های مختلفی مفهوم‌سازی شده است. نظر به ماهیت

---

1 . *Jemna, & M. Curelaru*
2 .*Calenda & Mosca*
3. *Cigler & Joslyn*
4. *Ligli*
5. *Mc Clurg*
6. *Campbell & Jovchelovitch*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

چندوجهی و پیچیده‌ی مشارکت سیاسی و تأثیرپذیری از عوامل عدیده‌ای در سطوح خُرد، میانی و کلان، هیچ‌یک از دیدگاه‌ها و رویکردهای نظری به تنهایی قادر به تبیین مشارکت سیاسی نیست؛ بنابراین در پژوهش حاضر، رویکردهای نظری آلموند و وربا[۱]، لیپست[۲]،لرنر[۳]، هانتینگتون[۴]، پاتنام[۵] و میلبراث[۶] به عنوان مبانی و چارچوب نظری مورد توجه قرار گرفته است.

گابریل آلموند[۷] و سیدنی وربا[۸] در کتاب «فرهنگ مدنی؛ جهت‌گیری‌های سیاسی و دموکراسی در ۵ کشور»، با استفاده از روش کمّی و یک نمونه‌ی ۵۰۰۰ نفری در چارچوب رویکرد کارکردگرایی ساختاری و بر اساس جهت‌گیری افراد به نظام سیاسی، به مطالعه‌ی تطبیقی فرهنگ سیاسی در آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا و مکزیک پرداخته‌اند. در این مفهوم‌شناسی، مشارکت سیاسی یکی از مؤلفه‌های محوری تفکیک انواع فرهنگ سیاسی به‌شمار رفته است. به زعم آن‌ها، کنش‌ورزی سیاسی به گونه‌ای چشم‌گیر، پیامد جامعه‌پذیری سیاسی است که طی آن افراد در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و تا اندازه‌ی زیادی دریافت‌شان از سیاست و واکنش-هایشان به پدیده‌های سیاسی تعیین و به کمک آن دانش سیاسی، ارزش‌های سیاسی و باورهای سیاسی را درباره‌ی موضوعات معینی کسب می‌کنند. از این رو، می‌توان به روشنی آثار و نمودهای اجتماعی‌شدن سیاسی را در رفتارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی از رأی‌دادن گرفته تا پشتیبانی از احزاب سیاسی و... دید(آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۵۳۲). به باور آلموند و وربا، عضویت داوطلبانه‌ی افراد در سازمان‌ها، گروه‌ها و انجمن‌های اجتماعی مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد. اگر نظام-های سیاسی بخواهند باقی بمانند، باید مؤثر و مشروع باشند. اعمال دولت باید تا حد زیادی شهروندان را راضی نگه دارد تا بتواند در طولانی‌مدت موجودیت خود را حفظ کند. ثبات، مؤثربودن و مشروعیت نظام سیاسی، رابطه‌ی مستقیمی با رقابت و مشارکت سیاسی دارد(آلموند و وربا، ۲۱۷:۱۹۶۳).

---

1. *Almond & verba*
2. *Lipset*
3. *Lerner*
4. *Huntington*
5. *Putnam*
6. *Milbrath*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

رابرت پاتنام در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، در بررسی عمل‌کرد نهادهای حکومتی محلی در مناطق موفق شمال ایتالیا در مقایسه با مناطق ناموفق جنوب ایتالیا به تأثیر مدرنیته‌ی اقتصادی-اجتماعی و وجود جامعـه‌ی مدنی یعنی الـگوهای مشـارکت مدنی و همبستگی مدنی می‌پردازد. پاتنام، موفقیت حکومت‌های مناطق شمالی را نسبت به جنوب این کشور به وجود سنّت های مدنی نسبت می‌دهد که موجب مشارکت شهروندان این مناطق در مسایل عمومی، پیروی از قوانین و نیز ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی افقی شده‌اند. پاتنام، مشارکت مدنی را مشارکت فعال در موضوعات عمومی، علاقه‌مندی به مسایل عمومی و آمادگی درگیرشدن در مباحث و فعالیت‌های عمومی می‌داند. وی، مشارکت در انجمن‌ها را نمونه‌ی بارز مشارکت مدنی به عنوان مقوِّم فرهنگ سیاسی می‌داند که فاصله‌ی میان افراد و جامعـه‌ی بـزرگ‌تر و عموماً دولت را کم می‌کند. پاتنام، بیان می‌کند که از طریق مرتبط‌ساختن تفکرات اجتماعی با تفکر لزوم انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبانه در دست‌یابی به مشارکت سیاسی می‌توان به وجود حکومتی کارآمد اطمینان داشت. به نظر پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی سبب تسهیل پیوند مردم و حکومت‌های منطقه‌ای می‌شود. تشکیل انجمن‌ها و گسترش سرمایه‌های اجتماعی به میزان فرهنگ مشارکتی مردم بستگی دارد. در جوامعی که شهروندان دارای سنّت‌های مدنی مشارکت‌جویانه هستند و مردم در شبکه‌های اجتماعی و سیاسی غیردولتی با هم در ارتباطند و به مسایل سیاسی علاقه‌مندند، فرهنگ سیاسی متناسب با آن شکل می‌گیرد و این نوع فرهنگ سیاسی، توسعه‌ی سیاسی و مشارکت سیاسی را تسهیل می‌کند(پاتنام،۱۳۸۰:۵۹-۵۸). پاتنام، پس از انتشار مطالعه‌ی خود درباره‌ی عمل‌کرد نهادهای سیاسی ایتالیا، توجه خود را به آمریکا معطوف نمود. پیام پاتنام در طول دهه‌ی ۱۹۹۰ پیام ثابتی بود: سرمایه‌ی اجتماعی آمریکا سیر نزولی به خود گرفته و عامل اصلی آن ظهور تلویزیون است(فیلد، ۱۳۸۸:۵۵). پاتنام معتقد است که فن‌آوری، نقش اساسی در خصوصی‌شدن فزآینده‌ی منابع تجربه دارد که به‌نوبه‌ی خود به شکل‌گیری جامعه‌ای متفرق و بی‌سامان منجر می‌شود. این امر به صورت فزآینده‌ای در میان نسل جوان رو به رشد است(پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۵). وی، بر اساس مطالعات و شواهد عینی در کتاب « بولینگ تک‌نفره[1]» این ایده را بیان می‌کند که مردم به‌تدریج به سوی انزواطلبی و بی‌علاقگی به شرکت در کارهای اجتماعی و گروهی کشیده می‌شوند و تنهایی و تنها بازی‌کردن را ترجیح می‌دهند. استفاده از تلویزیون، رادیو و به‌ویژه اینترنت انسان را از

[1] .*Bowling Alone*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اندیشیدن به موضوعات جدی اجتماعی باز می‌دارد. وی، صرف‌نظر از تأثیر خود رسانه‌ها، عنصر زمان را مورد توجه قرار می‌دهد و نقش آن را در حوزه‌ی مشارکت مدنی بررسی می‌کند. وی معتقد است که امروزه مردم مدت‌زمانی را که باید به ارتباط با شهروندان و همسایگان یا تعامل با کانون مدنی اختصاص دهند، صرف استفاده از رسانه می‌کنند(موی[1] و پتاو[2]،۲۰۰۰:۱۲۹).

دانیل لرنر در کتاب «گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه(۱۹۵۸)» که حاصل مطالعه‌ی پیمایشی شش کشور در خاومیانه است، به نقش مشارکت همگانی و سیاسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های محوری نوسازی در جوامع در حال گذار اشاره می‌کند. به باور لرنر، در کنار اثرگذاری سواد، ارتباطات و رسانه‌های همگانی و تحرک جغرافیایی(شهرنشینی)، پیش‌نیاز توسعه، تحرک ذهنی و روانی است که در شکل‌گیری شخصیت انتقالی نمود پیدا می‌کند. مؤلفه‌ی محوری شخصیت انتقالی، هم‌دلی است. لرنر در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که هم‌دلی یک ویژگی مهم در تواناکردن فرد پویا و متحرک به سوی مطابقت مؤثر با شرایط متحول جامعه‌ی نوین است. با بهره‌گیری از رسانه‌ها و ارتباطات، تحول درک افراد و شناخت جامعه و آگاهی سیاسی، بیش‌تر گشته، مشارکت اقتصادی و دخالت را در سرنوشت سیاسی برای افراد ضروری می‌نماید(لرنر، ۱۳۸۳:۸۰). لرنر، نوسازی را انتقال به جامعه مشارکتی و مشارکت را نوعی دیدگاه می‌داند. به عقیده‌ی لرنر، نوسازی دقیقاً از طریق حذف سنت و و نوعی بسیج اجتماعی صورت می‌گیرد که ابتدا در اذهان اثباتی و عقلانی دمیده شود و آن‌گاه افراد به رفتاری فراگیر و فارغ از انگیزه‌ی تعلقات گروهی و بر عکس، مرتبط با منافع عمومی و هویت جمعی سوق می‌یابند. چنین بسیجی زیربنای روند توسعه است و می‌تواند به تحقق دموکراسی مبتنی بر رأی همگانی و میزان بالای مشارکت در انتخابات بی‌انجامد. با بهره‌گیری از رسانه‌ها و ارتباطات، تحول درک افراد و شناخت جامعه و آگاهی سیاسی بیش‌تر گشته، مشارکت اقتصادی و دخالت در سرنوشت سیاسی را برای افراد ضروری می‌نماید(لرنر،۱۳۸۳:۱۱۴). در واقع با پیدایش چنین ظرفیتی انسان می‌تواند پذیرای ایفای نقش‌ها و روابط جدید در جامعه باشد و خود را به صورت رایگان در تشکیلات نو و سازمان‌های جدید قرار دهد و درخواست‌های سیاسی خود را به میانجی مشارکت پیگیری نماید.

---

[1]. *Moy and Petau*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مارتین لیپست (۱۹۶۳) در کتاب «انسان سیاسی؛ بنیان‌های اجتماعی سیاست» به واکاوی زمینه-های اجتماعی مشارکت سیاسی به‌طور عام و مشارکت انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی به‌طور خاص می‌پردازد. او با اتکا به داده‌های مشارکت انتخاباتی در کشورهایی چون آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند به الگوهای چشم‌گیر مشابهی در مشارکت انتخابی دست پیدا کرد که بر بنیان‌های اجتماعی مشارکت دلالت دارد. بر مبنای داده‌ها، مـردان بیش‌تر از زنـان در انتخابات شرکت می‌کنند. افراد تحصـیل‌کرده بیش‌تر از افراد با تحصیلات کم‌تر، ساکنان در شهر بیش‌تر از روسـتاییان، افـراد واقع در رده‌ی سنی ۳۵ تا ۵۵ سـال بیش‌تر از جـوان‌ترهـا و سال‌خوردگان، افراد متأهل بیش‌تر از افراد مجرد، افراد با پایگاه اجتماعی بـالاتر بیش‌تر از افـراد با پایگاه اجتماعی نازل‌تر، اعضای سازمان‌ها بیش‌تر از افرادی که فاقد عضویت سازمانی هستند، مشارکت بیش‌تری در سیاست و انتخابات دارند(لیپست،۱۹۶۳:۸۲).

میلبراث (۱۹۷۷) در کتاب «مشارکت سیاسی: چگونگی و چرایی درگیری و مشارکت مردم در سیاست»، سلسله‌مراتبی را از مشارکت مطرح می‌کند که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی را دربرمی‌گیرد. او درک انباشتی و سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی عرضه می‌کند؛ به‌گونه‌ای که افرادی که در سطوح بالای مشارکت درگیر هستند، احتمال بیش‌تری دارد در سطوح پایین نیز مشارکت داشته باشند(میلبراث،۱۹۶۵ :۱۸-۱۷). میلبراث در مدل سلسله‌مراتبی مشارکت سیاسی، فعالیت‌های تماشاگران، فعالیت‌های انتقالی و فعالیت‌های گلادیاتورها را از هم تفکیک می‌کند: گلادیاتورها[1]، افرادی هستند که حضور فعالانه‌ای در سیاست دارند. تماشاگرها[2] شامل افرادی است که مداخله‌ی حداقلی در سیاست دارند و بی‌تفاوت‌ها[3] کسانی هستند که در سیاست درگیر نمی‌شوند. در مدل سلسله‌مراتبی مشارکت سیاسی، کنش‌ورزی سیاسی در پایین‌ترین سطح، رأی‌دادن در انتخابات است. مراتب بعدی به ترتیب عبارتند از: بحث‌های سیاسی، صحبت با دیگران برای شرکت در انتخابات، الصاق یک نشان سیاسی بر لباس خود، تماس و ارتباط با بخش اداری و رسمی، کمک مالی به یک حزب، حضور و مشارکت در یک اجتماع و گرده‌همایی سیاسی، سهیم-شدن و مشارکت در یک کمپین و کارزار سیاسی و انتخاباتی، عضویت در یک حزب فعال، نامزدی برای عهده‌دارشدن یک مقام رسمی و بالاترین مرتبه، عهده‌داری یک منصب رسمی و سیاسی

[1]. *gladiators*
[2] .*spectators*
[3]. *apathetics*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

است. به زعم وی، مشارکت سیاسی متأثر از محرک‌های بیرونی، فرهنگ سیاسی، محیط سیاسی، ارتباطات بین شخصی و مشخصه‌های فردی نظیر اجتماعی و معاشرتی بودن، موقعیت اجتماعی- اقتصادی، منابع و مهارت‌ها است(میلبراث،۱۹۶۵:۸۶). از نظر میلبراث و گوئل[1]، حس اثربخشی سیاسی و این احساس که فرد از توان اثرگذاری بر سیاست‌ها و خط مشی‌ها برخوردار است، ارتباط نیرومندی با مشارکت سیاسی دارد(میلبراث و گوئل،۱۹۷۷:۵۷). بر مبنای این دسته از مطالعات، میزان‌های بالاتر اثربخشی سیاسی با متغیرهای دیگر مانند پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر و سطح تحصیلات همبستگی بالایی دارد. هم‌چنین مشارکت سیاسی ممکن است نیازهای روانی فرد را برآورده سازد(میلبراث و گوئل،۱۹۷۷:۴۹ به نقل از راش،۱۳۷۷:۱۴۱).

هانتینگتون و نلسون[2]، مشارکت سیاسی را به‌عنوان تلاش‌های شهروندان به‌منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی تعریف می‌کنند(هانتینگتون و نلسون،۱۹۷۶:۱۴). هانتینگتون در کتاب « سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی»، مشارکت سیاسی را تابعی از فرآیند نوسازی اقتصادی- اجتماعی می‌داند. نوسازی اقتصادی- اجتماعی از طریق مهیاکردن فرصت تحرک اجتماعی و اقتصادی بر گسترش مشارکت اثر می‌گذارد. نوسازی، نیروهای جدیدی را وارد جامعه می‌کند که خواهان مشارکت فعال در سیاست هستند تا از این طریق خواسته‌های خود را پیگیری کنند. وی جوامع را از نظر مشارکت سیاسی به سنتی، درحال گذار و مدرن تقسیم‌بندی می‌کند. از میان عوامل منزلتی، تحصیلات بیش‌ترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. بالارفتن سطح تحصیلات به مثابه‌ی یکی از ابعاد اصلی نوسازی آموزشی، از طریق افزایش آگاهی سیاسی، تقاضا برای مشارکت سیاسی را در جامعه در پی دارد. عامل دوم، مجاری سازمانی، یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است که احتمال مشارکت را در سیاست بیش‌تر می‌کند(هانتینگتون،۱۳۷۰ :۱۱). به زعم وی، پایداری سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی(درحال گذار) تابع نهادمندی سیاسی و مهیابودن امکان جذب تقاضای مشارکت سیاسی است. هانتینگتون، از نظر نسبت نهادمندی سیاسی به مشارکت سیاسی نیز جوامع را به دو نوع مدنی و پراتوری تقسیم می‌کند. نوع پراتوری، با وضعیت جوامع در حال گذار و نوع مدنی با وضعیت جوامع مدرن مناسبت دارد(هانتینگتون،۱۳۷۰:۱۱۹).

---

[1]. *Milbrath & Quell*

[2]. *Huntington & Nelson*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، با رجوع به دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی و بهره‌گیری از نتایج به‌دست‌آمده از مرور آن‌ها و با نظر به مختصات میدان مورد مطالعه، برای تحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان، چارچوب نظری تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی ارائه گردیده است.

در این مطالعه در گام نخست، از رویکرد نظری هانتینگتون، میلبراث، و راش برای توصیف و سطح‌بندی مشارکت بهره گرفته شده است. بر این مبنا، مشارکت سیاسی نوعی کنش‌ورزی ایجابی است که به قصد اثرگذاری بر سیاست و خط مشی‌های عمومی و نظام تدبیر صورت‌بندی می‌شود. این کنش‌ورزی قبل از هر چیز معطوف به ساختار قدرت و سیاست می‌باشد و ماهیت تأییدی(حمایتی) و اصلاحی دارد. مرور رویکردهای نظری گویای آن است که مشارکت سیاسی ماهیت چندوجهی، سیال و اقتضایی دارد و متأثر از عوامل عدیده‌ای در سطوح خُرد، میانی و کلان(برای مثال، نهادمندی سیاسی و ساخت‌فرصت‌های سیاسی) است؛ با این وصف، به‌دلیل آن‌که در پژوهش حاضر واحد مشاهده، فرد و واحد تحلیل نیز سطح خُرد می‌باشد، در این مطالعه به سطوح خُرد و میانی بسنده شده است.

بر مبنای مطالعات نظری و تجربی لیپست(۱۹۶۳)، مشارکت سیاسی(به‌ویژه مشارکت انتخاباتی و رفتار رأی‌دهی) تابع عواملی چون جنسیت، تحصیلات(به‌ویژه مدارج بالای تحصیلی)، محل سکونت(از وجه شهری یا روستایی)، رده‌ی سنی(۳۵ تا ۵۵)، وضعیت تأهل، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، عضویت سازمانی و نهادی است. عضویت سازمانی و نهادی در دستگاه نظری رابرت پاتنام نیز در قالب متغیر سرمایه‌ی اجتماعی(اعتماد بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی) در مشارکت مدنی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. یکی دیگر از عوامل اثرگذار، رسانه‌های ارتباط جمعی است؛ متغیری که دانیل لرنر به‌مثابه‌ی متغیری اثرگذار در آگاهی سیاسی و علاقه‌ی سیاسی و میل به مشارکت مفهوم‌سازی نموده است. هانتینگتون نیز در کنار متغیرهای ساختاری به عواملی چون آگاهی سیاسی در تکوین تقاضای مشارکت سیاسی در نزد قشرهای برآمده از نوسازی اقتصادی و آموزشی(نظیر دانشجویان) اشاره نموده است. میلبراث و گوئل نیز ضمن سطح‌بندی مشارکت سیاسی به نقش عواملی چون، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تحصیلات، جنسیت، شغل، قومیت، محل سکونت، عضویت در گروه‌ها و احساس اثربخشی و توان اثرگذاری بر سیاست‌ها و خط مشی‌ها و امید به آینده در میزان و سطح مشارکت سیاسی اشاره کرده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

بر اساس مدل کلی تحقیق می‌توان گفت که متغیرهای زمینه‌ای(جنسیت و سن) و موقعیت اجتماعی(رشته و مقطع تحصیلی، اشتغال، هویت جمعی در سطوح قومی، دینی، و ملی) دانشجویان، به تأسی از دیدگاه لیپست و میلگراث مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیرهای دیگر در کمّ و کیف مشارکت سیاسی آن‌ها اثر می‌گذارد. به فراخور موقعیت اجتماعی دانشجویان، رسانه‌های ارتباطی در مصرف فرهنگی و فراغتی دانشجویان نقش به‌سزایی دارد و دانشجویان در زمره‌ی مخاطبان و فعالان رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های جدید هستند. بر این اساس به تأسی از رویکرد نظری لرنر و پاتنام، متغیر بهره‌مندی و مصرف رسانه‌های ارتباطی به‌عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار در مشارکت سیاسی دانشجویان در چارچوب نظری لحاظ شده است. رسانه‌های ارتباطی یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری دانشجویان در تکوین و در جرح و تعدیل جهت‌گیری‌های شناختی و کنشی(آگاهی سیاسی) و احساس و پنداشت دانشجویان نسبت به اُبژه‌های اجتماعی و سیاسی(احساس اثربخشی، امید به آینده و اعتماد اجتماعی) اثرگذار است؛ متغیرهایی که مورد تأکید پاتنام، هانتینگتون، لیپست و لرنر بوده است. احساس و پنداشت دانشجویان صرفاً ماهیتی ذهنی نداشته و به‌نوعی در ارتباط با موقعیت اجتماعی، مصرف رسانه‌های ارتباطی و تجربه‌ی مشارکت اجتماعی و سیاسی در مقام عمل نیز می‌باشد. این مدل بر اساس نظریات مطرح‌شده در این حوزه طراحی شده است، ممکن است داده‌های تجربی حاصل از تحقیق آن را تأیید یا رد کند.

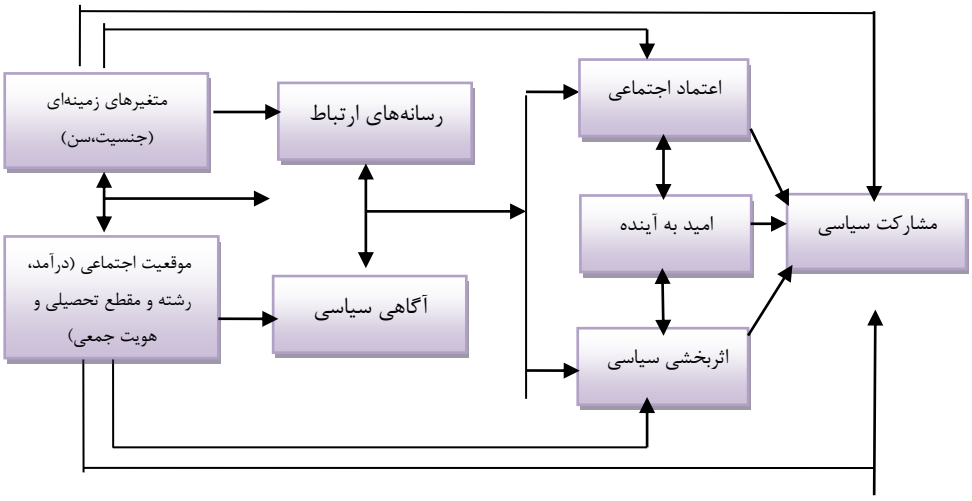

نمودار شماره‌ی(یک)- مدل تحلیلی عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی دانشجویان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

فرضیات پژوهش

- به نظر می‌رسد بین سن دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ هرچه سن دانشجویان بالاتر می‌رود، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر می‌شود.
- به نظر می‌رسد جنسیت دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان بر حسب جنسیت متفاوت است.
- به نظر می‌رسد بین میزان درآمد دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود داشته باشد؛ دانشجویانی که درآمد بالایی دارند، میزان مشارکت سیاسی بالاتری دارند.
- به نظر می‌رسد بین تحصیلات دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ با بالارفتن سطح تحصیلات دانشجویان، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر می‌شود.
- به نظر می‌رسد بین رشته‌ی تحصیلی دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مقطع تحصیلی دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ با بالارفتن مقطع تحصیلی، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر می‌شود.
- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ هرچه مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی در دانشجویان بیش‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر است.
- به نظر می‌رسد بین آگاهی سیاسی دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ هرچه آگاهی سیاسی دانشجویان بیش‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر است.
- به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ هرچه اعتماد اجتماعی در دانشجویان بیش‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر است.
- به نظر می‌رسد بین هویت جمعی(در ابعاد ملی، قومی و دینی) دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ هرچه هویت جمعی دانشجویان عام‌گرا/خاص‌گرا باشد، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر/ کم‌تر است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

- به نظر می‌رسد بین میزان امیدواری دانشجویان به آینده و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ هرچه میزان امیدواری دانشجویان به آینده بیش‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر است.
- به نظر می‌رسد بین اثربخشی سیاسی دانشجویان و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ هرچه اثربخشی سیاسی در دانشجویان بیش‌تر باشد، میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کمّی قرار گرفته و با استفاده از روش پیمایش داده‌ها گردآوری شده است. از نظر زمانی، مقطعی و از نظر هدف، کاربردی است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده و داده‌های مورد نیاز از طریق تکنیک‌های کمّی مورد تحلیل قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که پس از توصیف متغیرهای مستقل و وابسته، با استفاده از تکنیک‌های چند متغیره(تحلیل رگرسیون)، سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی مشارکت سیاسی دانشجویان تعیین و مشخص شده است.

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه کردستان، در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری در ۷ دانشکده(علوم‌انسانی و اجتماعی، فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی، هنر و معماری، زبان و ادبیات خارجی و منابع طبیعی) می‌باشد که در مجموع شامل ۴۵ رشته‌ی تحصیلی (سال ۱۳۹۶) است. تعداد دانشجویان براساس اطلاعات برگرفته از آموزش دانشگاه کردستان ۱۳۰۰۰ نفر است. از آن‌جایی‌که امکان دست‌یابی به همه‌ی دانشجویان برای انجام پژوهش میسر نبود، برای مطالعه‌ی آن نمونه‌ای برابر با ۳۷۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران، از این حجم انتخاب گردید تا بتوانیم نتایج به‌دست‌آمده از آن را با ضریب اطمینان قابل قبول به کل جامعه‌ی آماری تعمیم دهیم. در این تحقیق ابتدا نسبت هر دانشکده براساس جمعیت کل آن دانشکده از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای محاسبه و در مرحله‌ی بعد از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه مورد نظر انتخاب شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

تعاریف مفهومی و عملیاتی

مشارکت سیاسی: به معنای واردشدن فرد و درگیری در سطوح مختلف فعالیت‌های سیاسی(اعم از آگاهی از وقایع سیاسی، بحث درباره موضوع‌ها و مسایل سیاسی یا اقدام و عمل سیاسی) از درگیرنشدن کامل تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. با تأسی از مطالعات تجربی پناهی(۱۳۸۶)، محمدی و همکاران(۱۳۹۴)، متغیر مشارکت سیاسی در ابعاد شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات، رأی‌دادن در انتخابات، ارتباط با مسئولان سیاسی، عضویت فعال در تشکل‌های سیاسی دانشجویی، گفت‌وگو درباره مسایل سیاسی و علاقه به موضوعات سیاسی در سطح ترتیبی و در قالب(۲۱)گویه عملیاتی شده است.

رسانه‌های ارتباط جمعی: مصرف رسانه‌های ارتباآطی و اطلاعاتی بر ارزش‌ها و نگرش‌هایی که منجر به شکل‌گیری یک نوع رفتار از جمله رفتار مصرفی می‌شود، تأثیرگذار است. در پژوهش حاضر، این متغیر در سطح فاصله‌ای و به صورت سؤال از میزان زمان استفاده از وسایل ارتباط جمعی(نشریات و روزنامه، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی) در جهت آموزش و یادگیری سیاسی، پیگیری اخبار و اطلاعات سیاسی و اجتماعی در قالب۱۰ گویه و در سطح ترتیبی عملیاتی شده است

هویت جمعی: هویت جمعی یا اجتماعی، شناسه‌ی آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر " ما " خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند(عبدالهی،۱۳۷۷:۷۰). در این مطالعه هویت جمعی در ابعاد ملی، دینی و قومی سنجیده شده است. **هویت ملی**: نوعی احساس تعلق به ملتی خاص است؛ ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم و... معینی دارد(گیبرینو[1]،۲۰۰۱:۲۴۳). در این مقاله با تأسی از مطالعه‌ی تجربی قادرزاده و قادرزاده(۱۳۹۳)، هویت ملی در ابعاد سرزمینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در قالب (۱۳) گویه و در سطح ترتیبی مورد سنجش قرار گرفته است. **هویت قومی:** قومیت، فرآیندی اجتماعی و روان‌شناختی است که به‌واسطه‌ی آن افراد با یک گروه و برخی از جنبه‌های فرهنگ آن گروه هویت و پیوند می‌خورند. تمایز گروه از گروه‌های دیگر هم به‌واسطه‌ی نشان‌گرهای نمادین فرهنگی زیستی یا سرزمین و هم به‌واسطه‌ی (تصور) وجود

[1]. *Guibernau*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

گذشته‌ی مشترک و منافع مشترک صورت می‌گیرد(برگس،۱۹۷۸، به نقل از قادرزاده، ۱۳۹۱:۴۷). در این پژوهش هویت قومی با تأسی از مطالعات تجربی(جونز واسمیت[1]،۲۰۰۱؛ پیک وپولی بان،۲۰۰۵)، در قالب (۱۸) گویه در ابعاد سرزمینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سنجیده شده است.

هویت‌دینی: هویت‌دینی به دلیل ماهیت و محتوای آن نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی افراد جامعه دارد(کلانتری و همکاران،۱۳۸۸). هویت دینی نشان‌دهنده‌ی احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه‌ی دینی است. گویه‌های این متغیر برگرفته از مدل گلارک و استارک[2] و مطالعه‌ی تجربی افشانی و جعفری(۱۳۹۵)، در ابعاد چهارگانه‌ی احساسی، اعتقادی، مناسکی و پیامدی در سطح ترتیبی و در قالب (۷) گویه سنجیده شده است.

اعتماد اجتماعی: اعتماد از اجزاء کلیدی و بُعد کیفی روابط اجتماعی می‌باشد و شامل ابراز اطمینان نسبت به اشخاص و نظام‌های مجرد است. این متغیر در سه سطح اعتماد بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی مورد سنجش قرار گرفته است. اعتماد شخصی خود را در روابط چهره به چهره نشان می‌دهد. اعتماد تعمیم‌یافته به‌عنوان داشتن حسن ظن به افراد جامعه، جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف می‌شود. اعتماد نهادی، نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که رفتار و اعمال ما را متأثر می‌کند و موجب تقویت این فکر می‌شود که افراد و امور جهان قابل اعتمادند. در این مطالعه، این متغیر با تأسی از مطالعات تجربی قادرزاده(۱۳۹۳) و شریف‌زاده و همکاران(۱۳۹۴)در قالب (۱۹) گویه و در سطح ترتیبی عملیاتی شده است.

آگاهی سیاسی: آلموند و وربا دانش نظام سیاسی، نهادها و مسئولین آن‌ها و ورودی‌ها و خروجی‌های این نظام سیاسی را بُعد شناختی فرهنگ سیاسی می‌دانند(سریع‌القلم،۱۳۸۹ :۲۸). دانش افراد در مورد موضوعاتی نظیر حقوق و تکالیف شهروندی، رویدادهای سیاسی، احزاب سیاسی و اولویت‌های برنامه‌ای آن‌ها، شیوه‌ی انتخاب یا انتصاب و به عبارتی گزینش مسئولان در خرده‌نظام سیاسی، انواع نظام‌های سیاسی و ویژگی‌های آن‌ها، وضعیت کنونی قوای سه‌گانه و پایگاه احزاب مختلف را در آن‌ها می‌توان به عنوان جنبه‌هایی از دانش سیاسی تلقی کرد(فریدون و دیگران،۱۳۸۰ :۱۰۸-۷۷). این متغیر در قالب (۹) گویه و در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

---

[1]. *Jones & Smith*
[2] *Glock & Stark*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اثربخشی سیاسی: اثربخشی، از درک فرد درباره‌ی نتایج رفتار خود ناشی می‌شود. وقتی افراد یک جامعه در رسیدن به اهداف مؤثر هستند، در این نوع فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند؛ ولی زمانی‌که احساس کنند مشارکت سیاسی آنان اثری در اوضاع جامعه و زندگی خودشان ندارد، از این فعالیت‌ها دست می‌کشند(پناهی،۱۳۸۶:۱۷۳). در این پژوهش، این متغیر با تأسی از مطالعه‌ی باستانی و لولایی(۱۳۹۱) در قالب (۸) گویه و در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

میزان امیدواری به آینده: یک رشته افکار مثبت به دلیل ارضای برخی از نیازهای انسان نسبت به گذراندن زندگی که در آینده برای شخص رخ می‌دهد. این متغیر براساس مطالعات تجربی میلر و پاورز[1] (۱۹۹۸) و افشانی و جعفری(۱۳۹۵) در قالب (۸) گویه و در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

پایایی و روایی

شیوه‌های مختلفی برای سنجش درجه‌ی اعتبار پرسش‌نامه وجود دارد که در این تحقیق از روش اعتبار صوری برای اطمینان از اعتبار پرسش‌نامه استفاده شده است. برای بالابردن اعتبار صوری سؤالات، سعی شد تا در تدوین سؤالات یا گویه‌های مقیاس‌های اصلی، از سؤالات مشابهی که در پرسش‌نامه‌های فراگیر داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته بود، استفاده شود. علاوه بر این، گویه‌ها بر اساس چارچوب نظری پژوهش و مطالعات پیشین، در اختیار اساتید دانشگاه قرار گرفت که در نهایت با حذف تعدادی از گویه‌ها بر اساس نظر کارشناسان، گویه‌های پژوهش انتخاب شد. در تحقیق حاضر برای سنجش پایایی، ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌های مورد استفاده(مشارکت سیاسی، هویت جمعی، اعتماد اجتماعی، احساس اثربخشی، و امیدواری به آینده) محاسبه شد. جهت ارتقاء ضریب پایایی برخی از گویه‌های مربوط به مقیاس‌ها حذف گردید و بر این اساس، ضریب پایایی متغیرها بالاتر از ۰/۷ به دست آمد. ضریب مذکور نشان‌گر آن است که مقیاس‌های اصلی از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

[1] Miller& Powers

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی و موقعیت اجتماعی پاسخ‌گویان

جمعیت نمونه‌ی این پژوهش ۵۱/۴ درصد زن و ۴۸/۶ درصد مرد بوده‌اند. سن ۸۶/۶ درصد افراد نمونه بین ۱۸ تا ۲۷ سال بوده است و ۱۰/۶ درصد در رده‌ی سنی ۲۸ تا ۳۷ سال، ۲/۸ درصد ۳۸ سال و بیش‌تر سن داشته‌اند. میانگین سنی افراد نمونه ۲۴/۲۱ سال و انحراف معیار آن ۴/۱۶۰ بوده است. از نظر مقطع تحصیلی، ۰/۸ درصد افراد نمونه کاردانی، ۵۳/۴ درصد کارشناسی، ۳۸/۱ درصد کارشناسی ارشد و ۷/۷ درصد دکتری بودند. بیش‌ترین فراوانی مربوط به تحصیلات کارشناسی بوده است. هم‌چنین ۳۱۳ نفر(۴ /۸۷ درصد) دانشجویان نمونه بیکار و فقط ۴۵ نفر(۱۲/۶ درصد) شاغل بوده‌اند. از نظر مذهب، ۶۳ درصد تسنن و ۳۷ درصد شیعه بودند. به لحاظ تعلق قومی دانشجویان، ۷۶/۲ درصد کُرد، ۶/۳ درصد فارس بودند و سایر قومیت‌ها درصد کم‌تری در ترکیب جمعیت نمونه داشته‌اند.

توصیف آماری شاخص و ابعاد مشارکت سیاسی دانشجویان

جدول(۱) میانگین و انحراف معیار شاخص و ابعاد مشارکت سیاسی دانشجویان را نشان می‌دهد. بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده میانگین مشارکت سیاسی معادل ۳۸/۷ درصد است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ پایین ارزیابی می‌شود. شاخص ترکیبی مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که در ۳۹/۶ درصد از دانشجویان مشارکت سیاسی پایین، در ۵۲/۷ متوسط و در ۷/۷ درصد بالا می‌باشد. در میان ابعاد مشارکت سیاسی دانشجویان، رأی‌دادن و شرکت در انتخابات(۴۸/۹ درصد) جای‌گاه محوری و اولیه‌ای داشته و پس از آن به ترتیب، علاقه‌ی سیاسی(۴۱/۷ درصد)، گفت‌وگو درباره‌ی موضوعات سیاسی(۳۳/۲ درصد)، عضویت در تشکل‌های سیاسی(۲۲/۷ درصد) و ارتباط با مسئولان(۲۱/۹ درصد) قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی یک- توزیع فراوانی و درصد مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان

ابعاد مشارکت سیاسی	گزینه‌ها	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
علاقه‌ی سیاسی	پایین	۱۱۶	۳۱/۴	۴۱/۷	۶/۶
	متوسط	۱۷۶	۴۷/۶		
	بالا	۷۸	۲۱/۱		
ارتباط با مسئولان	پایین	۲۵۴	۶۸/۶	۲۱/۹	۴/۴
	متوسط	۱۰۰	۲۷		
	بالا	۱۶	۴/۳		
گفت‌وگو درباره‌ی موضوعات سیاسی	پایین	۲۰۵	۵۵/۴	۳۳/۲	۲/۴۱
	متوسط	۱۲۴	۳۳/۵		
	بالا	۴۱	۱۱/۱		
عضویت در تشکل‌های سیاسی	پایین	۲۴۳	۶۵/۷	۲۲/۷	۳/۷
	متوسط	۱۱۲	۳۰/۳		
	بالا	۱۵	۴		
شرکت در راه‌پیمایی	پایین	۱۲۰	۳۲/۴	۴۷/۶	۲/۵
	متوسط	۱۵۹	۴۳		
	زیاد	۹۱	۲۴/۴		
رأی‌دادن	پایین	۱۰۳	۲۷/۸	۴۸/۹	۵/۹۲
	متوسط	۱۷۳	۴۶/۸		
	بالا	۹۴	۲۵/۴		
شاخص ترکیبی مشارکت سیاسی	پایین	۱۵۰	۳۹/۶	۳۸/۷	۱۶/۹
	متوسط	۲۰۰	۵۲/۷		
	بالا	۲۹	۷/۷		

توصیف آماری متغیرهای مستقل

شاخص ترکیبی استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی نشان می‌دهد که در ۲۳/۵ درصد دانشجویان، بهره‌مندی از رسانه‌ها زیاد، در ۶۶/۵ درصد متوسط و در ۱۰ درصد پایین می‌باشد. در میان سایر رسانه‌ها به اقتضای زیست جهان دانشجویی، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بالاترین سهم، ماهواره جای‌گاه متوسط و تلویزیون و نشریات پایین‌ترین سهم را داشته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

در این مطالعه، اعتماد اجتماعی در سه بُعد سنجش شده است: شاخص اعتماد بین شخصی در ۸/۷ درصد از افراد نمونه پایین، در ۷۰/۴ درصد متوسط و در ۲۰/۹ درصد زیاد؛ شاخص اعتماد تعمیم‌یافتـه در ۱۲ درصد از افراد نمونه پایین، در ۷۵/۲ درصد متوسط و در ۱۲/۸ درصد زیاد می-باشد. شاخص اعتماد نهادی در ۲۲/۲ درصد از افراد نمونه پایین، در ۴۹/۴ درصد متوسط و در ۲۸/۳ درصد زیاد است.

از دیگر متغیرهای مورد بررسی، هویت جمعی است که در سه بُعد دینی، قومی و ملی سنجش شده است. شاخص هویت دینی در ۵/۹ درصد از افراد نمونه ضعیف، در ۳۰/۹ درصد متوسط و در ۶۳/۲ درصد قوی؛ شاخص هویت قومی در ۱۱/۶ درصد از افراد نمونه ضعیف، در ۶۱/۶ درصد متوسط و در ۲۶/۶ درصد قوی و شاخص هویت ملی در ۱۰/۷ درصد از افراد نمونه ضعیف، در ۴۷/۳ درصد متوسط و در ۴۲/۱ درصد قوی است.

توزیع متغیرآگاهی سیاسی در بین افراد نمونه نشان می‌دهد که در ۲۶/۶ درصد افراد نمونه، آگاهی سیاسی پایین، در ۶۷/۸ درصد در حد متوسط و در ۵/۶ درصد بالا و احساس اثربخشی سیاسی در ۱۸/۴ درصد افراد نمونه پاییـن، در ۷۲/۵ درصد در حد متوسط و در۹/۱ درصد بالا؛ هم‌چنین توزیع متغیر امیدواری به آینده در بین افراد نمونه نشان می‌دهد که در ۲۷/۳ درصد افراد نمونه، امیدواری پایین، در ۴۰/۳ درصد در حد متوسط و در ۳۲/۴ درصد امیدواری بالا است.

جدول شماره‌ی دو- توزیع فراوانی و درصد متغیرهای مستقل در بین پاسخ‌گویان

متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
رسانه‌های ارتباط جمعی	کم	۸۷	۲۳/۵	۶۳/۷	۱/۸۶
	متوسط	۲۴۶	۶۶/۵		
	زیاد	۳۷	۱۰		
اعتماد بین شخصی	پایین	۳۱	۸/۷	۶۹	۲/۷۵
	متوسط	۲۵۲	۷۰/۴		
	بالا	۷۵	۲۰/۹		
اعتماد تعمیم یافته	پایین	۴۲	۱۲	۶۲/۷	۳/۵۷
	متوسط	۲۶۴	۷۵/۲		
	بالا	۴۵	۱۲/۸		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
اعتماد نهادی	پایین	۸۰	۲۲/۲	۵۱/۴	۹/۴۰
	متوسط	۱۷۸	۴۹/۴		
	بالا	۱۰۲	۲۸/۳		
هویت دینی	ضعیف	۲۱	۵/۹	۷۹/۶	۵/۷۴
	متوسط	۱۰۹	۳۰/۹		
	قوی	۲۲۳	۶۳/۲		
هویت قومی	ضعیف	۳۹	۱۱/۶	۶۹/۳	۴/۷۷
	متوسط	۲۰۷	۶۱/۶		
	قوی	۹۰	۲۶/۶		
هویت ملی	ضعیف	۳۷	۱۰/۷	۴۵/۶	۰/۶۵۵
	متوسط	۱۶۴	۴۷/۳		
	قوی	۱۴۶	۴۲/۱		
آگاهی سیاسی	پایین	۸۰	۲۶/۶	۶۳/۳	۴/۲۷
	متوسط	۲۰۴	۶۷/۸		
	بالا	۱۷	۵/۶		
	جمع	۳۰۱	۱۰۰		
اثربخشی سیاسی	پایین	۶۳	۱۸/۴	۶۱/۷	۴/۵۱
	متوسط	۲۴۸	۷۲/۵		
	بالا	۳۱	۹/۱		
امید به آینده	پایین	۱۰۱	۲۷/۳	۶۶/۹	۴/۶۳
	متوسط	۱۴۹	۴۰/۳		
	بالا	۱۲۰	۳۲/۴		

تحلیل دومتغیره

براساس نتایج تحلیل د متغیره در جدول شماره‌ی (۳)، مشارکت سیاسی دانشجویان بر اساس شدت رابطه با متغیرهای مصرف رسانه‌های ارتباط جمعی، امید به آینده، هویت ملی، اثربخشی سیاسی، اعتماد تعمیم‌یافته، آگاهی سیاسی، اعتماد نهادی، هویت دینی رابطه‌ی معناداری دارد؛ اما متغیرهای اعتماد بین شخصی هویت قومی، سن و تحصیلات با مشارکت سیاسی رابطه‌ی معناداری نداشته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جدول شماره‌ی سه- ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
رسانه‌های ارتباط جمعی	۰/۵۲۱	۰/۰۰۰
امید به آینده	۰/۴۹۷	۰/۰۰۰
هویت ملی	۰/۴۰۲	۰/۰۰۰
اثربخشی سیاسی	۰/۳۱۱	۰/۰۰۰
اعتماد تعمیم یافته	۰/۲۸۹	۰/۰۰۰
آگاهی سیاسی	۰/۲۴۴	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
هویت دینی	۰/۱۱۱	۰/۰۱۷
اعتماد بین شخصی	۰/۰۹۳	۰/۰۷۸
هویت قومی	۰/۰۷۴	۰/۱۸
سن	۰/۰۲۶	۰/۶۱
تحصیلات	۰/۰۸	۰/۳۱

تفاوت میانگین مشارکت سیاسی بر حسب مذهب

بنا بر اطلاعات جدول (۴) پایین‌ترین و بالاترین نمره‌ی شاخص مشارکت سیاسی به ترتیب مربوط به دانشجویان اهل تشیع و تسنن است. مقدار t محاسبه‌شده (۲/۰۵۴) از مقدار t بحرانی با درجه‌ی آزادی ۳۳۶ که برابر است با ۱/۹۶ بزرگ‌تر می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که میانگین شاخص مشارکت سیاسی بین دانشجویان اهل سنت و اهل تشیع تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره‌ی چهار- تفاوت میانگین مشارکت سیاسی بر حسب مذهب

متغیر	میانگین دانشجویان اهل سنت	میانگین- دانشجویان اهل تشیع	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	T	درجه‌ی آزادی	سطح معنی- داری
مشارکت سیاسی	۳۹/۰۴	۴۲/۹۷	۵۴/۵۴	-۵/۳۰۴	۲/۰۵۴	۳۳۶	۰/۰۴۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

تفاوت میانگین مشارکت سیاسی بر حسب جنسیت

بنابر اطلاعات جدول (۵) مقدار t محاسبه‌شده(۰/۱۴۳) از مقدار t بحرانی با درجه‌ی آزادی ۳۶۸ که برابر است با ۱/۹۶، بزرگ‌تر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که میانگین شاخص مشارکت سیاسی در بین دانشجویان مرد و زن تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره‌ی پنج- تفاوت میانگین مشارکت سیاسی بر حسب جنسیت

متغیر	میانگین زنان	میانگین مردان	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	T	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
مشارکت سیاسی	۴۰/۷۲	۴۰/۴۶	۵۴/۵۴	۰/۲۵۴	/۱۴۳ ۰	۳۶۸	۰/۸۸۶

تحلیل واریانس مشارکت‌سیاسی بر حسب مقطع تحصیلی

بنا بر اطلاعات جدول (۶) پایین‌ترین و بالاترین نمره‌ی شاخص مشارکت سیاسی به ترتیب مربوط به دانشجویان مقطع کاردانی و کارشناسی ارشد است. با افزایش مقطع تحصیلی دانشجویان از کاردانی به کارشناسی و کارشناسی‌ارشد بر میانگین نمره‌ی مشارکت سیاسی دانشجویان افزوده می‌شود؛ اما با رسیدن به مقطع دکتری میانگین نمره‌ی مشارکت‌سیاسی کاهش می‌یابد؛ اما این رابطه معنادار نیست.

جدول شماره‌ی شش- تحلیل واریانس مشارکت سیاسی بر حسب مقطع تحصیلی

متغیر	میانگین دانشجویان مقطع کاردانی	میانگین دانشجویان کارشناسی	میانگین دانشجویان کارشناسی ارشد	میانگین دانشجویان دکتری	میانگین کل	F	درجه‌ی آزادی	سطح معنی-داری
مشارکت سیاسی	۳۶/۶۶	۳۹/۵۰	۴۲/۶۶	۳۸/۶۷	۴۰/۲۹	۱/۱۴۶	۳۶۸	۰/۳۳۰

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره‌ی عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی

تحلیل رگرسیون، روشی آماری است که طی آن واریانس متغیر وابسته را می‌توان بر اساس متغیر یا متغیرهای مستقل تبیین و پیش‌بینی کرد. بدین ترتیب، کارکرد تحلیل رگرسیون تبیین و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

پیش‌بینی است. در این مرحله به منظور بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل و تنظیم معادله‌ی پیش‌بینی از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه‌ی گام به گام استفاده شده است. در این روش، ابتدا متغیری که بیش‌ترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد، انتخاب می‌شود و متغیر دوم، متغیری است که بعد از متغیر متقدم بیش‌ترین همبستگی را دارد. در این روش در هر مرحله متغیر یا متغیرهایی باقی می‌مانند که پس از تفکیک مشارکت متغیرهای مقدم بر آن‌ها دارای بیش‌ترین مجذور همبستگی R باشد.

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول (۷) برای مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که در مرحله‌ی اول، متغیر رسانه‌های ارتباط جمعی وارد معادله می‌شود که به تنهایی ۳۴/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته(مشارکت سیاسی) را تبیین کرده است؛ بر این اساس، از میان متغیرهای مستقلی که در بخش تحلیل دومتغیره، رابطه‌ی معناداری با مشارکت سیاسی داشته‌اند، متغیری که بر روی مشارکت سیاسی دانشجویان اثر مستقل زیادی گذاشته و بیش‌ترین مقدار را از تغییرات آن تبیین می‌کند، رسانه‌های ارتباط جمعی است. ضریب بتای این متغیر (۰/۵۸۸) از همه‌ی ضرایب بتا بیش-تر است و بیش‌ترین اثر را هم بر مشارکت سیاسی اعمال نموده است. هویت ملی، متغیر مستقل بعدی است که وارد معادله شده است. ضریب بتای این متغیر (۰/۳۱۴) بوده و کم‌تر از متغیر مستقل قبلی بر مشارکت سیاسی دانشجویان اثرگذار است. با اضافه‌شدن این متغیر به معادله‌ی رگرسیون، حدود (۰/۱۲۳) درصد به ضریب تعیین چندمتغیره افزوده شده و از (۰/۳۴۳) به (۰/۴۳۹) افزایش یافته است؛ این دو متغیر با هم ۴۴ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین می‌کنند. سومین متغیر مستقلی که وارد معادله‌ی رگرسیون شده است، اعتماد تعمیم‌یافته می‌باشد. با اضافه‌شدن این متغیر به معادله، ضریب تعیّن تجمعی را (۰/۰۱۸) بالا برده و به مقدار (۰/۴۵۷) رسانده است. بدین ترتیب این سه متغیر با هم ۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. چهارمین و آخرین متغیر مستقلی که وارد معادله‌ی رگرسیون شده است، اثربخشی سیاسی می‌باشد. با اضافه‌شدن این متغیر به معادله، ضریب تعیّن تجمعی را (۰/۰۰۹) بالا برده و به مقدار (۰/۴۶۶) رسانده است.

ملاحظه می‌شود که با کنترل‌شدن آماری سایر متغیرهای مستقل، سطح معناداری و قدرت تبیین متغیرهای «امید به آینده، آگاهی سیاسی، اعتماد نهادی و هویت دینی» از بین رفته است. بدین ترتیب، از میان فرضیه‌های اصلی مطرح‌شده در تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، فقط چهار فرضیه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

تأیید می‌شود و چهار متغیر مستقل این فرضیه‌ها با هم ۴۶ درصد تغییرات مشارکت سیاسی دانشجویان را تبیین می‌کنند.

جدول شماه‌ی هفت- ضرایب تحلیل رگرسیون

نام متغیر مستقل	مقدار ضریب F	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار Rsquare تجمعی
رسانه‌های ارتباط جمعی	۱۲۲/۸۰۳	۰/۵۸۸	۰/۰۰۰	۰/۳۴۳
هویت ملی	۹۲/۲۱۶	۰/۳۱۴	۰/۰۰۰	۰/۴۳۹
اعتماد تعمیم‌یافته	۶۶/۲۶۶	۰/۱۴۸	۰/۰۰۴	۰/۴۵۷
اثربخشی سیاسی	۷۹/۴۰۳	۰/۱۱۸	۰/۰۲۵	۰/۴۶۶

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر سنجش مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن نزد دانشجویان دانشگاه کردستان می‌باشد. دانشگاه در زمره‌ی نهادهایی است که در کنار کارکردهای آموزشی، عهده‌دار جامعه‌پذیری سیاسی و نهادینه‌کردن فرهنگ شهروندی و مسئولیت‌پذیری سیاسی و اجتماعی است. «در بررسی قلمرو سیاسی در ایران، فعالیت سیاسی دانشجویان شاخص مناسبی است که می‌توان از طریق آن دیگر تحولات را سنجید»(محمدی، ۱۰:۱۳۷۸). در این مطالعه، بر مبنای آثار نظری و تجربی مرتبط با مشارکت سیاسی، ۱۴ فرضیه مطرح شد و مورد آزمون قرار گرفت. ۸ مورد از فرضیات تحقیق در مرحله‌ی اول بررسی مورد تأیید و در مرحله‌ی دوم تبیین، رابطه‌ی متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی به وسیله‌ی تحلیل رگرسیونی چندمتغیره بررسی شد.

بر مبنای یافته‌ها، میانگین مشارکت سیاسی نزد دانشجویان به‌عنوان یکی از گروه‌های اثرگذار در پویش‌های سیاسی و اجتماعی شدت چندانی ندارد و کم‌تر از حد متوسط است. در میان ابعاد مشارکت سیاسی عضویت نهادی در قالب تشکل‌های سیاسی بسیار پایین می‌باشد. تقریباً دو سوم از دانشجویان در تشکل‌های سیاسی عضویت نداشته و مشارکتی هم در برنامه‌های تشکل‌های مستقر در دانشگاه ندارند. در فعالیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، تشکل‌های سیاسی نقش مهمی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دارند. «تشکل‌های سیاسی بر اساس مشی سیاسی خود و فعالیت‌هایی که در عرصه‌های مختلف سیاست دارند، با اعلام مواضع و هم‌چنین برگزاری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جلسات دانشجویی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان سهیم هستند»(کریمی و همکاران،۱۳۹۳:۱۱۵). لذا با توجه به شدت پایین عضویت دانشجویان در تشکل‌ها برای بالابردن مشارکت دانشجویان پیشنهاد می‌شود که «فضای مناسبی برای رشد تشکل‌ها فراهم گردد تا دانشجویان بتوانند بدون مشکل در فعالیت‌های مختلف مشارکت داشته باشند»(آوریده و علمی، ۱۳۸۹:۴۸). نظر به بافت قومی دانشگاه کردستان، اقتضایی و موقعیتی‌شدن برنامه‌های تشکل‌ها و اعطای مسئولیت در تشکل‌ها به دانشجویان بومی ضروری به نظر می‌رسد.

از دیگر ابعاد مشارکت سیاسی، ارتباط دانشجویان با مسئولین سیاسی و اجرایی است. بر مبنای یافته‌ها، ارتباط دانشجویان با مسئولین سیاسی و اجرایی بسیار پایین می‌باشد. حضور مدیران سیاسی و اجرایی در دانشگاه‌ها ماهیت مقطعی و مناسکی پیدا کرده است. سطح نازل رابطه‌ی دانشجویان با مسئولان و کارگزاران نظام در کاهش اعتماد نهادی اثرگذار است و با نظر به رابطه‌ی مستقیم اعتماد نهادی با مشارکت سیاسی ضرورت دارد تا ارتباط با مسئولین سیاسی و اجرایی در تبادل تجربه، آشنایی مسئولین با دغدغه‌ها و مطالبات دانشجویی و تعدیل شکاف‌ها مؤثر است. فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی(نادری،۱۳۹۶:۲۷۴) مؤید آن است که اعتماد به نهادهای سیاسی رابطه‌ی مستقیمی با مشارکت سیاسی دانشجویان دارد.

نگاهی هرچند گذرا بر سایر ابعاد مشارکت سیاسی گویای آن است که علاقه‌ی سیاسی و گفت‌وگو در باب موضوعات سیاسی در میان دانشجویان نازل است. این مسأله مؤید آن است که در دغدغه‌ها و افق ذهنی و بینشی دانشجویان، موضوعات و مباحث سیاسی جای‌گاه قابل توجهی ندارد. در صورت عدم مدیریت این مسأله، بی‌تفاوتی سیاسی و کنش‌های سلبی و منفی در عرصه-ی سیاست جای‌گزین کنش‌ورزی ایجابی، مثبت و هم‌گرایانه خواهد شد. میانگین مشارکت در انتخابات در مقایسه با سایر ابعاد مشارکت سیاسی بیش‌تر است. این مسأله به نوعی مؤید میل به مشارکت(در وجه عینی) است که با مهیانمودن زمینه‌های مساعد نهادی و ساختاری در دانشگاه و تقلیل هزینه‌های فعالیت سیاسی می‌توان سایر ابعاد را تقویت نمود.

نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه‌های تحقیق حاکی از آن است که بین آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نظریه‌ی هانتینگتون(۱۳۷۹) و مطالعات تجربی مسعودنیا و همکاران(۱۳۹۳)، و پالیزبان(۱۳۹۰) مؤید این فرضیه است. نتایج مربوط به ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که همبستگی مثبتی بین آگاهی سیاسی با شاخص مشارکت سیاسی وجود دارد. یکی از مجراهای تحرک اجتماعی، ظهور قشر جدیدی از افراد تحصیل‌کرده است که از آگاهی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

سیاسی بالایی برخوردارند و این به نوبه‌ی خود احساس توانایی و مؤثربودن بر تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی را در افراد تقویت می‌کند. این نگرش‌ها در مجموع می‌تواند زمینه‌ساز کنش اجتماعی و سیاسی و مشوق مشارکت در سیاست باشد. نگاهی به میانگین آگاهی سیاسی در بین دانشجویان مورد بررسی، نشان‌گر آن است که آگاهی سیاسی دانشجویان کمی بالاتر از متوسط قرار دارد. بر همین اساس ضمن تلاش در جهت سیاسی‌نشدن فضای دانشگاه و تبدیل‌نشدن آن به تریبون و جولان‌گاه جریان‌های سیاسی، ضرورت دارد در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دانشگاه‌ها توجه ویژه‌ای به ایجاد فضای بانشاط فرهنگی و سیاسی، ارتقاء فهم و بینش سیاسی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی نظیر جریان‌شناسی سیاسی شود. لذا می‌توان آموزش فرهنگ سیاسی مشارکتی را به منظور ارتقاء سطح آگاهی دانشجویان در دستور کار قرار داد. دعوت از صاحب‌نظران و شخصیت‌های ملی و دانشگاهی در جهت ترسیم واقع‌بینانه و عالمانه‌ی فضای حاکم بر جامعه و تعریف جای‌گاه دانشگاه و دانشجویان در این روند ضروری به‌نظر می‌رسد.

از دیگر متغیرهای مورد آزمون، متغیرهای زمینه‌ای و خاست‌گاه اجتماعی دانشجویان بود که با توجه به دستگاه نظری لیپست و داده‌های تجربی متغیرهای تحقیق مورد تأیید قرار گرفت؛ علی‌رغم انتظاری که می‌رفت رابطه‌ی معناداری بین سن، هویت قومی و مقطع تحصیلی با مشارکت سیاسی وجود نداشت. این یافته هم‌سو با مطالعات تجربی گلابی و رضایی(۱۳۹۲)، ربانی(۱۳۸۹) می‌باشد. معنادارنبودن رابطه‌ی هویت قومی با مشارکت سیاسی، با نظر به مختصات میدان مورد مطالعه، نشان از تبدیل‌نشدن قومیت به منبع جهت‌دهنده‌ی دانش سیاسی، علایق و کنش سیاسی عام و ملی است. شواهد میدانی نیز گویای آن است که دانشجویان کُرد، علاقه‌ی چندانی به درگیرشدن در مباحث سیاسی، عضویت در تشکل‌های سیاسی و حضور در برنامه‌های تشکل‌ها ندارند. این مسأله می‌تواند هم‌گرایی را با دشواری‌هایی مواجه کند. یافته‌های توصیفی نیز نشان داد که تعلقات دینی و قومی در نزد دانشجویان مورد بررسی، شدت بیش‌تری از هویت ملی دارد. بر همین اساس دربرگیرنده‌ی ساختن فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها، توجه تشکل‌های دانشجویی به مطالبات قومی و مطمئن کردن دانشجویان از هزینه‌دارنبودن فعالیت‌های سیاسی دانشجویی در معطوف ساختن جهت‌گیری‌های ذهنی و کنشی دانشجویان متعلق به اقوام مختلف به کنش‌های سیاسی هم-گرایانه و در مقیاس ملی اثرگذار است. متغیر دیگری که مورد آزمون قرار گرفت، رسانه‌های ارتباط جمعی بود که نظریه‌ی لرنر، پاتنام و مطالعه‌ی تجربی عبدالهی‌نژاد و همکاران(۱۳۹۵) مؤید این فرضیه است.لرنر، با تأکید بر نقش ارتباطات، آن را زمینه‌ساز بسیج می‌داند و معتقد است که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

ارتباطات، مشارکت و توسعه‌ی سیاسی را سامان می‌دهد(پناهی و عالی‌زاده،۱۳۸۴: ۹۶). بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره از منابع اصلی پیگیری اخبار و اطلاعات سیاسی و آموزش سیاسی دانشجویان به‌شمار می‌روند. نتایج پژوهش هرسیج و همکاران(۱۳۹۱) نیز مؤید رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای با مشارکت سیاسی دانشجویان است؛ اما رسانه‌های الکترونیک بیش‌ترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی اعتراضی و پست مدرن داشته‌اند. در همین راستا تلاش در جهت انعکاس هرچه بیش‌تر ذائقه‌ی دانشجویان و نسل جوان در رسانه‌های ارتباطی داخلی و مواجهه‌ی منطقی با مقوله‌ی بینش سیاسی و ارتقاء فرهنگ سیاسی دموکراتیک ضروری به نظر می‌رسد. از این رو مواجهه عالمانه با این مسأله، یکی از ضروریات نظام سیاسی است تا بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه‌ی دانشگاهی تسری پیدا نکند.

از دیگر متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر اعتماد اجتماعی بود. وجود رابطه‌ی اعتماد اجتماعی در سطوح نهادی و تعمیم‌یافته با مشارکت سیاسی، مؤید نظریه‌ی پاتنام(۲۰۰۰)، اوسلانر(۲۰۰۵)، مک‌لرگ(۲۰۰۳) و مطالعات تجربی علی‌پور و همکاران(۱۳۸۸) می‌باشد. از منظر پاتنام، اعتماد اجتماعی شکل‌دهنده‌ی رفتار افراد در جامعه در چارچوب از قبل تعیین‌شده به منظور تولید سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت سیاسی است. افزایش اعتماد اجتماعی فرصت‌هایی را برای دانشجویان پدید می‌آورد که توان‌مندی آن‌ها را ارتقا می‌بخشد و احتمال اثربخشی آن‌ها را افزایش می‌دهد. اعتماد اجتماعی به‌ویژه در سطح نهادی، رفتارهای فرصت‌طلبانه‌ی سیاسی را محدود می‌کند و بازدهی و کارکرد دولت‌ها را افزایش می‌دهد. «دانشجویان در صورتی به مشارکت تمایل خواهند داشت که درک کنند که مسئولان دولتی در قبال عمل‌کرد خود و نیز خواسته‌های آنان پاسخ‌گو و مسئولیت‌پذیرند»(مسعودنیا و همکاران،۱۳۹۳:۱۳۱). لذا داشتن برنامه‌ی مدون و سازمان-یافته برای بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر میان دولت‌مردان و دانشجویان به منظور افزایش تعامل و آشتی‌دادن دولت‌مردان با فضای دانشگاه ضروری به نظر می‌رسد. متغیر دیگری که مورد آزمون قرار گرفت احساس اثربخشی سیاسی و امید به آینده است که نظریه‌ی دال[1](۱۹۸۴) و مطالعات تجربی باستانی و لولایی(۱۳۹۱) تأیید می‌کند. از دید رابرت دال، اثربخشی سیاسی علی‌رغم آن‌که به عمل‌کرد و کارائی نظام سیاسی وابسته است، به باور و اعتماد مردم به اثربخشی سیاسی بستگی دارد. «شهروندی که احساس اثربخشی سیاسی بالایی دارد، احتمال دارد بیش‌تر از شهروندی که به

[1]. *Dahl*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اثرگذاری خود در مسئولان سیاسی بدبین است، در امور سیاسی مشارکت کند. هرچه احساس اثربخشی سیاسی فرد کم‌تر باشد، مشارکت سیاسی او کم‌تر خواهد بود»(دال،۱۹۸۴ به نقل از پناهی، ۲۶:۱۳۸۶). فراهم‌نمودن مجاری ابراز وجود و کنش‌گری دانشجویان در مدیریت اجتماعی و فرهنگی دانشگاه و مقابله با سلیقه‌ها و رویکردهای اتمیستی و تقلیل‌گرا که به تعلیق جای‌گاه دانشگاه، به مثابه‌ی یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری سیاسی می‌انجامد، در تقویت احساس اثربخشی دانشجویان و به تبع آن امید به آینده اثرگذار است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

منابع

۱-آوریده، سولماز و علمی، محمود (۱۳۸۹) «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دانشگاه پیام نور»، **زن و مطالعات خانواده**، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۹: ۵۵-۳۷.

۲-احمدی، یعقوب، محمدزاده، حسین، مجیدی، ابوبکر (۱۳۹۶) «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه کردستان بر پایه‌ی متغیرهای اجتماعی- فرهنگی»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال۲۹، شماره‌ی پیاپی(۶۹)، شماره‌ی ۱: ۱۲۸-۱۰۷.

۳-افشانی، سیدعلیرضا، جعفری، زینب (۱۳۹۵) «رابطه‌ی دین‌داری و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد، **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱۹: ۲۱۰-۱۹۱.

۴-امام‌جمعه‌زاده، سید جواد، رهبرقاضی، محمودرضا، عیسی‌نژاد، امید و مرندی، زهره (۱۳۹۰) «بررسی رابطه‌ی میان احساس محرومیت سبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، **دانش سیاسی**، سال ۸، شماره‌ی ۱، پیاپی(۱۵): ۶۸-۳۷.

۵-امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد، محموداوغلی، رضا و عیسی‌نژاد، امید (۱۳۸۹) «بررسی رابطه‌ی دین‌داری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، **پژوهش‌گاه علوم سیاسی**، سال ۶، شماره‌ی ۷: ۳۴-۱.

۶-باستانی، سوسن، لولایی، فاطمه (۱۳۹۱) «کاربری رسانه‌ها و رفتار سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران با تأکید بر نقش اینترنت»، **مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی**، سال ۱، شماره-ی ۳: ۳۸-۷.

۷-پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) **دموکراسی و سنت‌های مدنی**، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات سلام.

۸-پالیزبان، محسن (۱۳۹۰) «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن»، **سیاست**، دوره‌ی ۴۱، شماره‌ی ۲: ۴۹- ۳۳.

۹-پالیزبان، محسن (۱۳۹۶) **بررسی نشریات دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور(۱۳۹۵-۱۳۹۴)**، تهران: نشر دانشگاه شید بهشتی.

۱۰-پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶) **جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱۱-پناهی، محمدحسین، عالی‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۴) «تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی»، **علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۲۹و۲۸: ۱۳۱-۸۹.

۱۲-حسنی، قاسم (۱۳۸۹) «بررسی رابطه‌ی بیگانگی سیاسی و اجتماعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی و امنیت ملی»، **علوم اجتماعی**، دوره و شماره‌ی ۵۰: ۱۷۱-۱۳۱.

۱۳-راش، مایکل (۱۳۷۷) **جامعه و سیاست**، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: سمت.

۱۴-ربانی، محمد (۱۳۸۹) «**بررسی میزان تأثیر هویت قومی بر مشارکت سیاسی مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه تهران**»، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.

۱۵-سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹) **فرهنگ سیاسی ایران**، تهران: فرزان روز.

۱۶-سید امامی، کاووس (۱۳۸۶) «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی-کننده‌های مشارکت سیاسی»، **پژوهش‌نامه‌ی علوم سیاسی**، سال ۲، شماره‌ی ۱: ۷۶-۶۰.

۱۷-شریف‌زاده، حکیمه السادات، سهرابی، مریم و میرمحمدتبار، سیداحمد (۱۳۹۴) «بررسی رابطه‌ی بین استفاده از رسانه‌های جمعی و اعتماد اجتماعی در دانشجویان»، **فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲ پیاپی۱۵: ۲۲۰-۲۰۱.

۱۸-شهرام‌نیا، امیرمسعود، ابراهیمی‌پور، جواد، محموداوغلی، رضا و ملکان، مجید (۱۳۹۶) بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی دانشجویان؛ مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه مازندران، **جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره‌ی پیاپی(۶۵): ۳۲-۱۹.

۱۹-عالی‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۴) فرهنگ سیاسی و جلوه‌های آن در انتخابات سراسری، **اطلاعات سیاسی- اقتصادی**، شماره‌ی ۲۱۶ :۱۴۷-۱۳۶.

۲۰-عبداللهی، محمد(۱۳۷۷) بحران هویت:هویت جمعی و دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**، شماره‌ی ۱ :۸۰-۶۳.

۲۱-عبدالهی‌نژاد، علیرضا، صادقی، جواد و قاسمی‌نژاد، ابوذر (۱۳۹۵) «رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در انتخابات هفتم اسفند ۱۳۹۴»، **مطالعات رسانه‌ی نوین**، شماره‌ی ۵: ۷۳-۳۴.

۲۲-علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸) «بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۲: ۱۳۵-۱۰۹.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۲۳-غفاری‌هشجین، زاهد، بیگی‌نیا، عبدالرضا و تصمیم‌قطعی، اکرم (۱۳۸۹) «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، **دانش سیاسی**، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲(پیاپی۱۲): ۲۴۰-۲۰۷.

۲۴-فریدون، وحیدا، کتابی، محمود و قاسمی، وحید (۱۳۸۰) «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره‌ی ۲۶و ۲۷: ۱۰۸-۷۷.

۲۵-فیلد،جان(۱۳۸۸) **سرمایه اجتماعی**، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: نشرکویر.

۲۶-قادرزاده، امید، قادرزاده، هیرش (۱۳۹۳) «مطالعه‌ی پیمایشی عوامل فرهنگی- اجتماعی مرتبط با هویت ملی نوجوانان»، **علوم اجتماعی**، دوره‌ی ۲۱، شماره‌ی ۶۶: ۲۰۵-۱۷۰.

۲۷-قادرزاده، امید و یوسفوند، حجت‌الله (۱۳۹۱) «سنجش عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در مشارکت مدنی زنان»، **زن در توسعه و سیاست**، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴ پیاپی ۳۹: ۱۲۶-۱۰۱.

۲۸-کریمی، غلامرضا، فرهادی، عباس و هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۳) «بررسی عوامل مؤثر بر روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال ۳، شماره‌ی ۹ (پیاپی ۳۹): ۱۱۹-۹۶.

۲۹-کلانتری،عبدالحسین، عزیزی، جلیل و زاهدانی، سعیدزاهد(۱۳۸۸) «هویت دینی و جوانان(نمونه آماری، جوانان شهر شیراز)»، **تحقیقات فرهنگی ایران**، سال۲، شماره‌ی ۲ (پیاپی۶): ۱۴۱-۱۲۵.

۳۰-گلابی، فاطمه، رضایی، اکرم (۱۳۹۲) «بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱: ۸۶-۶۱.

۳۱-گنجی، قربان‌علی (۱۳۹۱) «بررسی رابطه‌ی میان دین‌داری و مشارکت سیاسی؛ مطالعه‌ی موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد»، **مطالعات سیاسی**، سال ۵، شماره‌ی ۱۶۶:۱۷-۱۴۳.

۳۲-لرنر، دانیل (۱۳۸۳) **گذر جامعه‌ی سنتی: نوسازی خاورمیانه**، ترجمه‌ی غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهش‌کده‌ی مطالعات راهبردی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۳۳-محمدی، امید، شیخ‌زکریایی، وریا، کریمی، صلاح‌الدین و نافعی، ایوب (۱۳۹۴) «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان شهرستان سنندج»، **زن در فرهنگ و هنر**، دروه‌ی۸، شماره‌ی ۴: ۵۷۳-۵۸۸.

۳۴-محمدی، مجید (۱۳۷۸) **درآمدی بر رفتارشناسی سیاسی دانشجویان در ایران امروز**، تهران: کویر.

۳۵-مسعودنیا، حسین، رهبرقاضی، محمدرضا، مهراب کوشکی، راضیه و پوررنجبر، مهدیه (۱۳۹۳) «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی»، **مسایل اجتماعی ایران**، سال پنجم، شماره‌ی ۲: ۱۵۱-۱۳۱.

۳۶-مسعودنیا، حسین، محمدی‌فر، نجات و مرادی، گلمراد (۱۳۹۰) «بررسی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان؛ مطالعه‌ی موردی دانشگاه اصفهان»، **مطالعات فرهنگ ارتباطات**، سال ۱۲، شماره‌ی ۱۶: ۹۴-۷۷.

۳۷-نادری، احمد (۱۳۹۶) «فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه‌ی اثربخشی عوامل تبیین‌کننده‌ی عینی، انگیزشی- ذهنی، فرهنگی- اجتماعی و نهادی»، **مطالعات جامعه-شناختی**، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۱: ۲۹۰-۲۵۹.

۳۸-واینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹) **درک توسعه‌ی سیاسی**، ترجمه‌ی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران: پژوهش‌کده‌ی مطالعات راهبردی.

۳۹-وفادار، مژگان و رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۵) «**دموکراسی برداشت مردم و دانشجویان**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد،دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰) **سامان سیاسی در جوامع در دست‌خوش دگرگونی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علم.

۴۰-هرسیج، حسین و محموداغلی، رضا (۱۳۹۱) «بررسی رابطه‌ی مشارکت سیاسی و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی»، **پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی**، شماره‌ی ۲: ۲۰-۱.

41-Almond,G. A. & Verba, S. (1963). **The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations**, Princton, NJ, Princton University Press.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

42- Calenda, D. & Mosca, L (2007). The Political Use of the Internet: Some Insights from Two Surveys of Italian Students, **Journal Information, Communication & Society,** 10(1):29-47.

43- Campbell, C. & Jovchelovitch, S. (2000). Health, Community and Development: Towards a Social Psychology of Participation**, Journal of Community & Applied Social Psychology**, 10(4): 255-270.

44- Cigler, A. & Joslyn, M. R. (2002).The Extensiveness of Group Membership and Social Capital: The Impact on Political Tolerance Attitudes, **Political Research Quarterly**, 55(1): 7-25.

45- Gan,Ch; Lee,F.L.F;Li,Y. (2017).Social Media Use, Political Affect, and Participation Among University Students in Urban China ,**Telematics and Informatics**, 34(7): 936-947.

46-Guibernau,M.(2001). Globalization and Nation-State.In Guibernau,M & Hutchinson,j (eds) **Understanding Nationalism** , Cambridge: Polity Press.

47- Hashish,EAA. & Kamel,NMF.(2014). Identity, Political Efficacy and Expected Political Participation among Nursing Students after 25th January Revolution, **Journal of Public Administration and Policy Research** , 6(4) : 69-76.

48- Huntington, S.P. & J. Nelson (1976). **No Easy Choice: Political Participation In Developing Countries**,Cambridge: Harvard University Press.

49-Jemna,D.V. & Curelaru.M.(2009). Values and Students' Political Participation, **Journal for The Study of Religions and Ideologies**, 8 (24):168-188.

50- Jones, F. L. & Smith, P.(2001) Individual and Societal Bases of National Identity:A Comparative Multi –Level Analysis", **European Sociological Review**;Jun 01.

51-Lipset, S.M. (1963). **Political Man: The social Bases of Politics** , New York: University Press.

52-Miller, J. F., & Powers, M. J.(1988). Development of An Instrument to Measure Hope,**Nurs Res**, 37(1): 6-10.

53- Moy, P & Micheal, P. (2000).With Malice Toward All? The Media and Public Confidence in Democatic Institution. USA: Green Wood Publishing Goups.

54-Putnam, R. D. (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, New York: Simon and Schuster.

55- Putnam, R.(1995). **Democracy in America at Century End**. In A. Hadenius (Ed.), Democracy Victory and Crisis, New York: Cambridge University Press.

56-Samuel K. Tesunbi, Irene C. Nwoye (2014). The Relationship between Media Use and Political Knowledge and Behavior: A Survey of Students of the First Americanstyled University in Sub-Saharan Africa, **The Global Studies Journal**, 6(1):7-36.

57- Stockemer ,D.(2012). Students' Political Engagement: A Comprehensive Study of University of Ottawa Undergraduate Students, **Journal of Youth Studies**,15(8):1028-1047.

58-Zaheer,L.(2016). Use of Social Media and Political Participation among University Students, Pakistan Vision,17(1): 278-299.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]